



۲۰۱۵/۰۸/۰۱



جليل غنى

انشعاب در گروه طالبان و اتحاد نا مقدس

با اعلام در گذشت ملا عمر رهبر منزوی طالبان در بیش از دو سال قبل و اعلام در گذشت جلال الدین حقانی رهبر شبکه دهشت افکن دیگر، گروه طالبان رهبر دیگری، ملا اختر محمد منصور، را در نشست شورای رهبری طالبان در کوئته انتخاب نمود که مخالفین او آنرا یک « کودتا » خواندند و روز بعد اعلام شد که سراج الدین حقانی پسر جلال الدین حقانی به حیث معاون اول ملا منصور و هیبت الله آخند زاده قاضی القضاة رژیم طالبان در دوران حاکمیت شان در افغانستان، به حیث معاون دوم ملا منصور انتخاب شده اند. اما ملا عبدالقیوم ذاکر مسؤل امور نظامی گروه طالبان، ملا محمد یعقوب پسر ارشد ملا عمر و همچنان ملا عبدالمنان برادر ملا عمر جلسه شورای رهبری کوئته را قبل از آنکه ملا منصور به حیث رهبر این گروه انتخاب شود ترک گفتند. همچنان طیب آغا مسؤل امور سیاسی دفتر طالبان در دوهه مرکز قطر نیز با این انتخاب ابراز مخالفت کرده است.

آنها از ملا محمد یعقوب پسر ملا عمر جانبداری کرده و ادعا میکنند که عناصر طرفدار پاکستان از یک گروه دهشت افکن، ملا منصور را بر آنها تحمیل کرده اند چون وی از دوام مذاکرات جانبداری میکند.

این آغاز اختلاف و شکاف عمیق در شورای رهبری طالبان است که عواقب ناگواری برای این گروه خواهد داشت. از جانب دیگر انتخاب سراج الدین حقانی به حیث معاون اول نگرانی های را برای حکومت افغانستان و پشتیبانان بین المللی آن خلق کرده است.

ملا منصور در زمان حکمرانی طالبان در کابل به حیث وزیر هوانوردی کار میکرد و یکی از همکاران نزدیک ملا عمر و یکی از معتمدین او بود چنانچه گفته میشود که در سه سال گذشته تا زمانیکه ملا عمر زنده بود زیر نظر مستقیم او، و از زمان در گذشت او در اپریل 2013 مستقیماً امور سیاسی و نظامی و سایر امور طالبان را بنام او هدایت و رهبری می نمود. اما جالب اینست که هم پاکستان، میزبان گروه طالبان، در همین تقریباً دو و نیم سال گذشته در مورد در گذشت ملا عمر سکوت اختیار کرد و هم گروه طالبان و سایر منابع تا اینکه بروز پنجشنبه اداره امنیت ملی افغانستان تائید نمود که ملا عمر در اپریل سال 2013 در شفاخانه در شهر کراچی پاکستان در گذشته است و افواهایی هم وجود دارد که به شکل مرموزی مرده است.

از هلاکت مولوی جلال الدین حقانی، یکی دیگر از نزدیکان آی اس آی پاکستان در یکسال قبل، هم خبری از هیچ دستگاه خبری و یا حکومت پاکستان شنیده نشد تا اینکه بروز پنجشنبه سراج الدین حقانی به حیث معاون اول ملا منصور اعلام شد و متعاقب آن تائید گردید که جلال الدین حقانی یک سال قبل وفات یافت و در خوست دفن شده است. اعلام در گذشت هر دو رهبر گروه های دهشت افکن درست زمانی صورت میگیرد که قرار بود یک روز بعد آن دور دوم مذاکرات صلح بین حکومت افغانستان و طالبان بار دیگر در مری نزدیک اسلام آباد دایر گردد و اسلام آباد اعلام کرد که بنا به تقاضای طالبان این دور مذاکرات به تعویق افتاده است.

اتحاد رسمی بین گروه های طالبان و شبکه حقانی را میتوان یک «اتحاد نا مقدس برای ویرانی افغانستان» خواند. چنین معلوم میشود که پاکستان فصل جدیدی را برای بازی با سرنوشت افغانستان گشوده است. ملا منصور یکی از اشخاص بسیار نزدیک با پاکستان و با ارتباطات بسیار نزدیک با آی اس آی پاکستان است و در عین زمان بنا به گزارشهای تازه یکی از طرفداران مذاکرات صلح است. یقین کامل است که با در نظر داشت نزدیکی های او با حکومت پاکستان این تغییر موقف و طرفداری از مذاکرات از تصامیم خود او نه بلکه از هدایات پاکستان است. از جانب دیگر سراج الدین حقانی پسر مولوی جلال الدین حقانی نیز یکی از نزدیکان آی اس آی است چنانچه پدرش نیز مورد حمایت آی اس آی قرار داشت و قرار گاه او در حاشیه سرحد درست متصل قرار گاه آی اس آی بود و بعد از آنکه اسامه بن لادن از افغانستان فرار نمود جلال الدین حقانی به او در همین محل پناه داد که به همین دلیل از حملات طیارات در امان بود. همه به خاطر خواهند داشت که وقتی در اواسط دهه هشتاد تنظیم های جهادی مقیم پاکستان حکومت جلالی وطن را در راولپنڈی پاکستان تشکیل دادند و روی کرسی های این حکومت مثل همیشه به توافقی رسیده نتوانستند آی اس آی مولوی حقانی را به مری برد و بعد از چهل و هشت ساعت با لیستی از کابینه

حکومت جلای وطن بر گشت که همه تنظیم های اشتراک کننده درین حکومت نام نهاد، بلا درنگ به آن موافقت کردند

تو خود حدیث مفصل ازین نمط بر خوان

تصادفی نیست که این بار نیز مذاکرات صلح در مری تحت نظر پاکستان دایر میگردد و باز هم این بار پسر حقانی دران دخیل ساخته میشود.

داخل شدن رهبر شبکه القاعده که متهم به حملات انتحاری و حمله بر سفارت ایالات متحده در کابل و ده ها و شاید هم صد ها حمله دیگر بر قوای افغانستان و حامیان بین المللی آنها و مردم بیگناه افغانستان است، نگرانی های عمیقی را بین حامیان حکومت افغانستان ایجاد کرده است.

جمز کیننگهم سفير سابق ایالات متحده امریکا در افغانستان و عضو ارشد شورای اتلانتیک ایالات متحده و رئیس مشترک بخش افغانستان با زلمی خلیل زاد درین شوری میگوید « داخل ساختن رهبر عملیات شبکه حقانی در رهبری طالبان یک انکشاف جدید نا راحت کننده با در نظر داشت نقشی است که در جنگ افغانستان داشته است» اما طالبان با در گذشت رهبر شان که از یک موقف شناخته شده در پاکستان و سایر حامیان و تمویل کنندگان شان در حوزه خلیج بر خور دار بودند، در هراس از اینکه منابع مالی شان خشک و یا حد اقل محدود خواهد شد و از جانب دیگر قسمتی از این منابع اکنون به داعش اختصاص داده میشود، با داخل ساختن شبکه حقانی که مناسبات و همکاری نزدیک با شبکه القاعده داشته است و هم اکنون شخص سراج الدین روابط تنگاتنگ با شیوخ عرب و کشورهای حوزة خلیج دارد خواسته اند از نگاه مالی مطمئن گردند. همچنان با در نظر داشت توان مالی وافر و کوشش برای نفوذ داعش در پاکستان و افغانستان که هم اکنون یک تعدد از طالبان جنگ طلب و تند رو پول پرست را جلب و جذب نموده طالبان و شبکه حقانی با اتحاد دستوری خواسته اند نشان بدهند که جنگ را با همان شدت در افغانستان ادامه خواهند داد چون پیروان شبکه حقانی در طول سیزده سال گذشته در تشدید جنگ و حملات انتحاری و راه انداختن حملات بر مراکز قوای بین المللی به شمول حمله بر سفارت ایالات متحده در کابل و سایر مراکز قوای خارجی سهم عمده داشته اند.

پاکستان با روی کار کردن گروه دیگری و زیر نام دیگری و اتحاد دیگری باز هم در پی بدست آوردن اهدافش در افغانستان است. از جانب دیگر افغانستان و متحدین بین المللی آن بر مذاکرات به حیث یگانه راه حل معضله افغانستان و صلح و ثبات تاکید دارند. روز جمعه 31 جولای یک نطق وزارت خارجه ایالات متحده از طالبان خواست که از این فرصت استفاده نموده یک صلح واقعی نمایند و جزئی از نظام سیاسی مشروع در افغانستان گردند.

مارک تونر به جواب سوالی که ایالات متحده میخواهد شاهد آن باشد که پاکستان در عملیه صلح همچنان کمک نماید، این عملیه را « یک فرصت واضح» خواند که طالبان را تشویق کند که با حکومت افغانستان یک صلح واقعی کنند و زندگی و صلح را در افغانستان تقویه نمایند. وی گفت: « آنها میتوانند دعوت افغانستان را برای پیوستن به عملیه صلح به پذیرند و آخر الامر بخشی از نظام سیاسی مشروع یک افغانستان داری حاکمیت ملی، متحد و مورد حمایت جامعه بین المللی باشند»

حالا اگر مذاکراتی دایر گردد با کدام گروه و با چه صلاحیت های خواهد. آیا چنین مذاکرات با یک دسته منشعب از یک گروه وسیع می تواند صلح را در افغانستان تضمین نماید؟ بر دولت افغانستان است که نه تنها در استراتژی مذاکرات تجدید نظر نماید بلکه بر صلاحیت ها و مشروعیت و اقتدار هیات طرف مقابل در صفوف جنگ، نیز عطف توجه نماید. پیوستن بخشی از طالبان، آنهم به ادعای مخالفین رهبری جدید این گروه، دست نشاندگان و طرفداران پاکستان، منجر به ختم جنگ و خونریزی آن بیگناهیانی که از بیش از سی سال به اینطرف قربانی میدهند خواهد شد؟ آنانی که در جهت مخالف این اتحاد قرار دارند و به دوام جنگ متعهد هستند مثل ملا ذاکر و امثال آنها که جز به جنگ به چیز دیگری نمی اندیشند و یقیناً حامیانی هم در داخل پاکستان و سایر تمویل کنندگان تند رو در حوزه خلیج و شیوخ عرب خواهند داشت به جنگ و خونریزی ادامه خواهند داد؟ آیا چنین گروه های، از جمله پیروان حزب اسلامی حکمتیار، که تغییر در رهبری طالبان بر موقف آنها هم تاثیر خواهد کرد داعش را در آغوش نخواهند گرفت؟

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

آیا این گروه ها باز هم افغانستان ویران و زخم آلود را صحنه رقابت های فکری و استراتژیک قرار خواهند داد؟ و باز هم صحنه دیگری و فصل دیگری از درامه جنگی که پاکستان در حال نوشتن است بازی خواهد شد؟ آیا میتوان باز هم بر پاکستان اعتماد نمود؟ این ها و ده ها سوال دیگر یا جوابی ندارد و اگر داشته باشد هم مبهم خواهد بود و آینده جوابگوی این سوالها خواهد بود.

خواب طالبان که بعد از خروج قوای بین المللی از صحنه محاربه تصور کرده بودند که شهر ها را یکی پی دیگری تصرف میکنند و قبل از نشستن به میز مذاکره قدرت نمائی خواهند کرد تا از یک موقف قوی تر نظامی امتیازات بیشتر سیاسی بدست آورند به کابوسی مبدل گردید و از شش ماه به اینطرف اگر توانسته اند کدام ولسوالی و یا چند قریه ای را موقتاً تحت اداره شان قرار دهند به همت و جانبازی قوای امنیتی چند روز بعد از اسارت آنها آزاد گردیده و دست آوردی چشمگیری نداشته اند. اکنون که هم از لحاظ سیاسی، با اعلام در گذشت رهبر شان و مخالفت های که در رهبری این گروه بروز کرده، و هم از لحاظ نظامی پیروزی نداشته اند، بهترین فرصت برای افغانستان است که از یک موقف بالاتر سیاسی و نظامی به میز مذاکره می نشیند.

پایان

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ